

ترافیک سنگین

عملیات

حاشیه اروند



رزمندگان تازه نفس با قایق از اروند عبور می کنند تا به قاو بروند. عکس: وحید خوشنویس

نخلستان تا اولین جایی که بشود در آب اروند شنا کرد چولان و باتلاقی بود که باید پیاده از آن رد می شدند: جایی ۱۰۰ متر، جایی ۲۰۰ متر، جایی هم ۷۰۰ متر. پیاده روی در همین ۷۰۰ متر در دست ۴۵ دقیقه تا یک ساعت طول می کشید. فرقی هم نمی کرد: غواص هایی که این طرف پیاده روی کمتری داشتند، آن طرف باید بیشتر راه می رفتند تا به ساحل برسند. این قانون اروند بود.

برای هر گروهان غواص آن طرف اروند، در ساحل عراق جایی مشخص شده بود که باید از همان جاسرد می آوردند. کسی حق این طرف و آن طرف رفتن نداشت. گاهی که جریان آب تند تر می شد، غواص ها هم کارشان سخت تر بود. آن طرف در ساحل عراق، باید سریع کارشان را می کردند و برمی گشتند. اگر به جزر آب برمی خوردند کارشان چند برابر می شد، چون در ساحل سمت ایران هم حق نداشتند از هر جایی سردر بیاورند. اینها مراتب حفاظتی بود که باید کاملاً رعایتش می کردند. در ساحل عراق باید سیم خار دار ها را می چیدند. طوری که روز حمله بشود سریع جمعشان کرد و جا را برای پهلو گرفتن قایق ها باز کرد. بعد تعداد سنگر های کمین و نگهبان ها را می شمردند و یادداشت می کردند. برای این کار می رفتند تا زیر پای عراقی ها و برمی گشتند. حق نداشتند زیاد توی گل های ساحل راه بروند، چون عقب می رفت و جای پایشان روی گل های ساحل جامی ماند.

گروهان غواص هر شب حوالی ساعت ۷ غروب می زدند به آب. ساعت ۸ می رسیدند لب اروند. وزنه های سربی را می بستند دور کمرشان که به سطح آب نیایند. اشونکل ها را توی دهانشان می گذاشتند، فین ها را پا می کردند و شناکتان از اروند رد می شدند.

گروه های غواص قبل از اینکه به آب بزنند سه ستون می شدند.

در اروند شبانه روزی چهار بار جزر و مد می شود. دوبار جزر، دوبار مد. هنگام مد ارتفاع آب سه و نیم تا شش متر از حالت جزر بالاتر است. آب که بالا می آید، عرض دو بیست، سیصد متری اروند می شود یک کیلومتر، و اگر زمین اطراف مسطح باشد بیشتر هم می شود.

از شبه جزیره آبادان به بعد، تا جایی که اروند به خلیج فارس می ریزد، حاشیه اروند یکسره پوشیده از نخلستان است. نخلستانی که از چند صد متر تا ۳ کیلومتر عمق دارد. از قدیم روستاییان محلی در حاشیه اروند نهر هایی کنده اند. نهر ها همگی عمود بر اروندند. مد که می شود، آب اروند داخل این نهر ها می افتد. نخلستان را با این روش آبیاری می کنند. هر نهر برای خودش اسمی دارد: بحری، بلامه، علی شیر... رستوب حاصل از جریان آب اروند زیاد است. آن قدر که چهار سال پیش، در سال ۱۳۴۸، حدود مرز ایران و عراق را عوض کرد. در اروند، هر جا ساحل عراق محکم است، حتماً ساحل ایران پر از گل ولای یا باتلاقی است و هر جا ساحل ایران محکم است، ساحل عراق باتلاقی است. این قانون اروند است.

در کناره های آب، آنجا که نخلستان تمام می شود، ساحل اروند پوشیده از نیزار و چولان است. چولان یک جور بوته خودرو است که معمولاً کنار آب سبز می شود. ارتفاع چولان ها حداکثر یک و نیم متر است، اما ارتفاع نی ها تا چهار متر هم می رسد، طوری که راحت می شود لایه لای نی ها پنهان شد. اما زمین این قسمت ها سفت است و کسی که لایه لای این نی ها و چولان ها پنهان شده، جای بدی را برای پنهان شدن انتخاب کرده است، چون هر بار که قدم بردارد تا زانو در گل فرو می رود. به علاوه، این راه رفتن سر و صدای زیادی هم درست می کند.

جایی که ایران برای عملیات زمستانی سال ۱۳۶۴ در نظر گرفته بود همین جا بود: نخلستان های حاشیه اروند، نزدیک نقطه تلاقی اروند با خلیج فارس. مد که می شد، غواص های تیم شناسایی به آب می زدند. از

می رفتند تا زیر پای عراقی ها و برمی گشتند. حق نداشتند زیاد توی گل های ساحل راه بروند، چون عقب می رفت و جای پایشان روی گل های ساحل جامی ماند.



این اولین بار بود که رزمندگان در یک حمله از جلیقه نجات استفاده می کردند.

رزمندگان به ستون یک به طرف ساحل اروند می روند. عکس: حسین سعادت راد



هر ستون ۱۸ نفر. برای اینکه توی آب از هم جدا نشوند سر ستون که مسؤول اطلاعات بود سر طنابی را دست می گرفت. بعد همه اعضای ستون یک جای طناب را می گرفتند تا نفر آخر. با این طناب دیگر کسی زیر آب، ستون را گم نمی کرد. فرمانده گردان نفر اول ستون وسط بود. سر ستون های چپ و راست اطلاعاتی ها بودند. پشت سر آنها، دو معاون گردان، یکی در ستون چپ و یکی راست، طناب را گرفته بودند. چهار نفر بعدی در هر ستون همه تخریب چی بودند. با وسایل لازم برای بریدن سیم های خار دار و... دوازده نفر بعدی هم رزمنده های غواص بودند. هر ستون از لحظه راه افتادن تا رسیدن پای سنگر های عراق در آن طرف ساحل سه ساعت وقت داشتند. از بی سیم خبری نبود. این سه ستون، ده متر با هم فاصله داشتند و باید با هم از آب در می آمدند. اگر کسی آرام تر فین می زد، جورش گردن بقیه ستون می افتاد. سروصدا ممنوع بود.

تنها یکی از گروه های غواص لشکر ۴۱ ثارالله کرمان، تا قبل از شروع عملیات والفجر ۸ در روز بیستم بهمن ماه ۳۰ بار از اروندر د شده بودند تا شناسایی هایشان را کامل کنند.

یک ساعت بعد در ساحل عراق بودند. یک ساعت هم طول می کشید تا پای سیم خار دار ها بر سندن. توی ساحل عراق اولین مانع، یک ردیف نبشی و میل گرد بود که از وسط به هم جوششان داده بودند و شکل یک کره خار دار شده بودند. اسمشان خورشیدی بود. دو متر بعد، یک ردیف دیگر از همین خورشیدی ها بود، اما این بار دورشان را سیم خار دار حلقوی پیچیده بودند. ردیف بعدی هم درست مثل ردیف دوم. بعد از اینها نیزه هایی بود، آهنی که سر آن تیز بود و روی یک خرک آهنی دیگر سوار شده بود و سرش توی آب بود تا اگر هاورکرافت خواست به ساحل نزدیک شود، مخزن بادش را بترکاند.

دشمن در هیچ جنگی طرف مقابلش را خبر نمی کند که از حمله او باخبر شده است. والفجر ۸ هم استثنا نبود، نمی شد فهمید که عراق از تصمیم ایران باخبر شده یا نه. این وقت ها جز گروهی که به هدف اصلی حمله می کنند، چند گروه دیگر هم از چپ و راست حمله می کنند تا اگر یکی از محور های حمله لورفته بود، بقیه تلافی کنند. حمله اولی حمله اصلی است و حملات دیگر حملات پشتیبانی به قول نظامی ها تک اصلی و تک پشتیبانی تک اصلی در والفجر ۸ به فاو بود. تک های پشتیبانی، یکی درام الرصاص بود و دیگری در شلمچه. ارتش هم داشت کیلومترها بالاتر، در هور یا سروصدا ستون کشتی می کرد و نیرو می برد و می آورد تا حمله اش را شروع کند: آنها مسؤول عملیات فریب بودند.

حمله از ساعت ۷ شب شروع شد. غواص های خط شکن به آب زدند تا آن طرف رودخانه، بی سروصدا و بدون شلیک گلوله، با سلاح سرد اولین ردیف نگهبان های دم آب را خلاص کنند و بعد با چراغ قوه به قایق های این طرف آب علامت بدهند که راه بیفتند. قایق ها، پسر از رزمنده، توی شهر های منتهی به اروند، منتظر پایان کار گروه های غواص بودند. ۳ ساعت بعد، موقعی که باران همه جا را خیس کرده بود و هوا کمی مه آلود بود، انبوه ستاره های چشمک زن، از سیاهی آن طرف اروند سوسو می زدند. قایق چی ها موتورهایشان را روشن کردند و راه افتادند.

ساعت ۱۰ و ۱۰ دقیقه شب بیستم بهمن ۱۳۶۴، همه بی سیم های کنار آب داشتند یک اسم را سه بار تکرار می کردند. یا فاطمه الزهرا، یا فاطمه الزهرا، یا فاطمه الزهرا. عملیات والفجر ۸ شروع شد.